

"رویای شفاف"

مترجم :

F_S_S12

ویراستار :

Lack Wood

کاپیر :

لاکس

تایپیست :

یول



کاری از تیم :

Flaxen Guys



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys



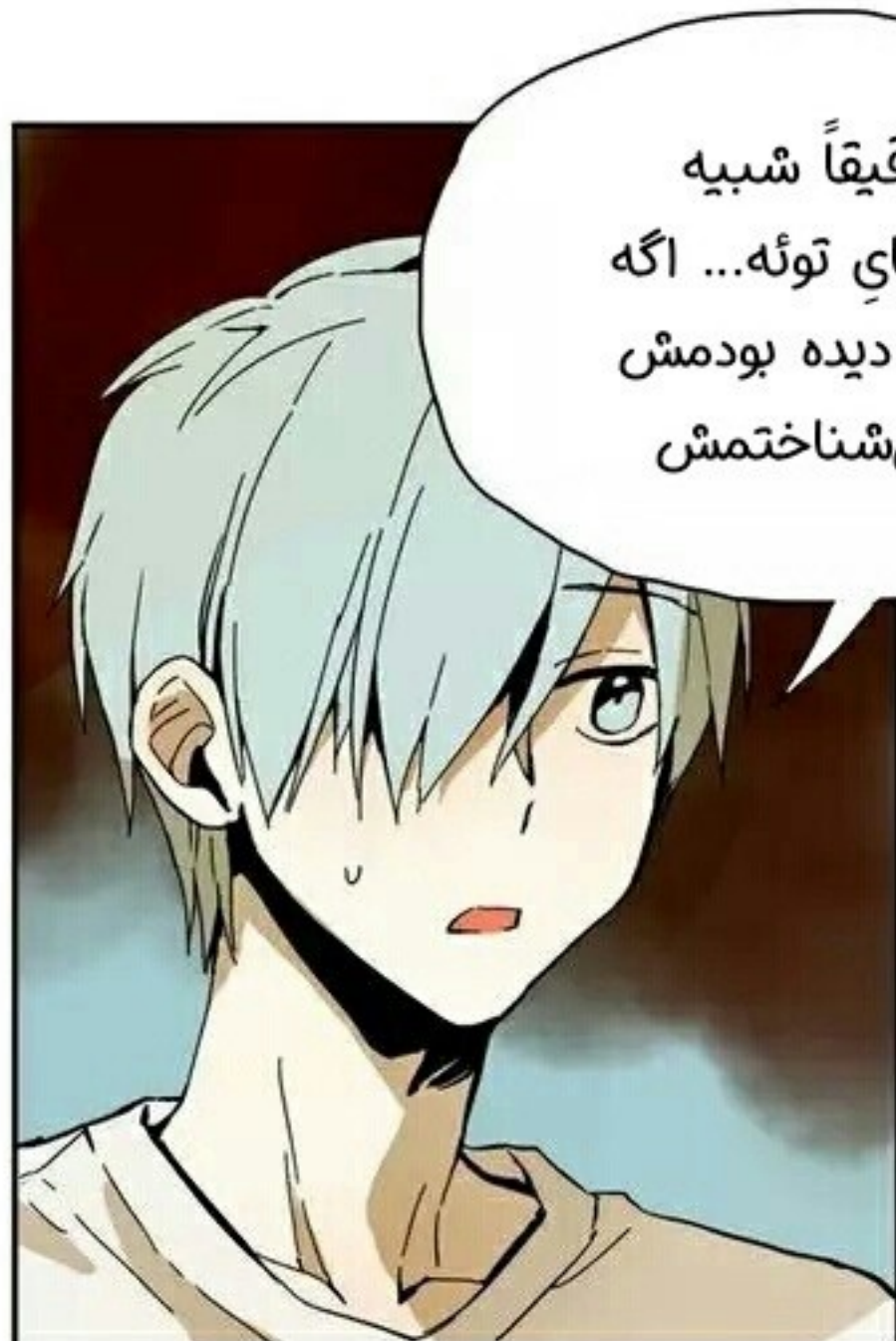
@FlaxenGuys



LUCID DREAM

نویسنده / MasaRabbit طراح / Kirty

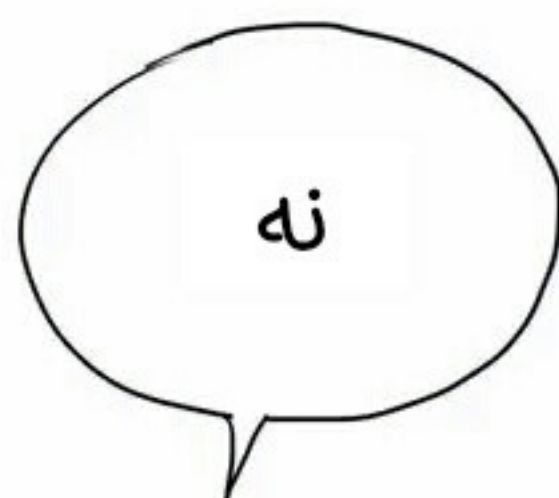
رویای ششم



دقیقاً شبیه
بچگیای توئه... اگه
قبلاً دیده بودمش
می شناختمش



پس... نمی تونی
به عکس نگاه کنی
و یادت بیاد چه
شکلیه؟



ثبت کردن چهره‌ها
از روی تلویزیون یا عکس
به درد نمی خوره

باید توی زندگی
واقعی دیده باشمشون
تا بتونم توی اون خیابونی
که توی رویاهام هست
ببینمشون



و خاطره‌ای که از
اون ها دارم باید مال
موقعی باشه که اونا
زنده و سالم بودن.



همم... باید...

یه راه دیگه باشه...







برای نجات
جیهه باشه... باید
باشه



من باید...

من باید برگردم.
من می‌شناسمش...



مجبورم برگردم...

رائیوم گفت غیر -
ممکنه. ولی چجوری می‌تونه
اینقدر مطمئن باشه؟



من هم قبلاً
رویای شفاف داشتم
ولی نه به شفافی
رویای رائیوم



ممکنه زیاد
هم غیر ممکن نباشه...

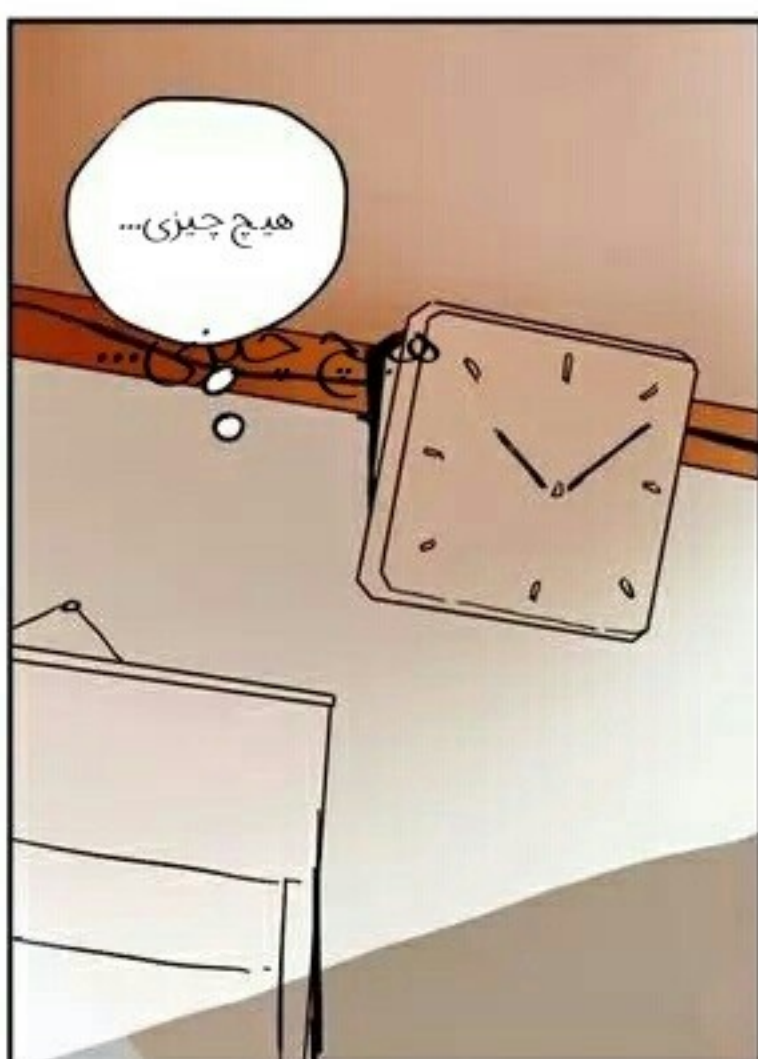
چطوری بفهمم که
این غیر ممکن نیست؟



الان، این مهم نیست.
باید راهی پیدا کنم که
بتونم برگردم اونجا

چون هیچ راهی
نیست که بتونم رائیوم
رو راضی کنم که دوباره
اون کارو انجام بده!

هیچ چیزی...



اینجا پیدا
نمی‌شه که به دردم
بخوره؟



چون چاقو
رو به رائیوم
برگردوندم...



چه چیزدیگه‌ای
می‌تونه کمکم کنه که
به اون خیابون
برگردم...؟



اینجا
چی هست؟











* سندرم کلرین-لوین (Kleine-Levinsyndrome) یا بیماری KLS که به بیماری زیبایی خفیه مشهوره، بیماری‌ایه که شخص مبتلا، به خواب زیادی نیاز داره که گاهی به بیست ساعت در شبانه روز هم میرسه. این اختلال درمان قطعی نداره و پاسخ به درمان داروهای تجویز شده غالباً محدوده. [ویکی‌پدیا/پارس مدیا]

من چون دلم
می‌خواد 15 ساعت
نمی‌خوابم



یه اختلال عصبی
باعث می‌شه بدنم بیشتر
و بیشتر به خواب احتیاج
داشته باشه.

که با داروهای امروزی
هم درمان نمی‌شه... کسی هم
دلیشو نمی‌دونه

پس حتی اگه
می‌خواستم چهار چشمی
حواسم بهت باشه، نمی‌تونستم
چون هر لحظه ممکن
بود خوابم ببره...



خیلی وقته همچین
شرایطی دارم و فکر می‌کنم
دلیل توانایی کنترل
رویاهام هم همینیه.

م... من نمی‌دونستم...

فکر می‌کردم زیاد
می‌خوابی ولی...



می‌تونست
وضعم ازین بدتر
بشه

ولی خداروشکر
فعلاً می‌تونم یک سوم
روز بیدار بمونم



چی؟



هر چقدر که سنم
بیشتر و بیشتر می‌شه، ساعت
خوابم هم زیاد می‌شه



وقتی اولین بار
فهمیدم مریضم، 11 ساعت
می‌خوابیدم



ولی الان شده
15 ساعت



با احتساب اینا
آخرش احتمالاً کل روز
رو می‌خوابم...



یعنی... می‌شم کسی
که نمی‌تونه توی این
دنیا بیدار بمونه

به همین خاطر
این پولارو توی این
اتاق نگه داشتم



یه روز میاد که
من تو رویاهام زنده‌ام.
و باید بیشتر وقتم رو اونجا
بگذرونم. پس به این پولار
احتیاج دارم

صبر کن...

چی؟!

تو داری میگی
وقتی اون زمان برسه دیگه
نمی‌تونی بیدار بشی؟

برای همیشه؟

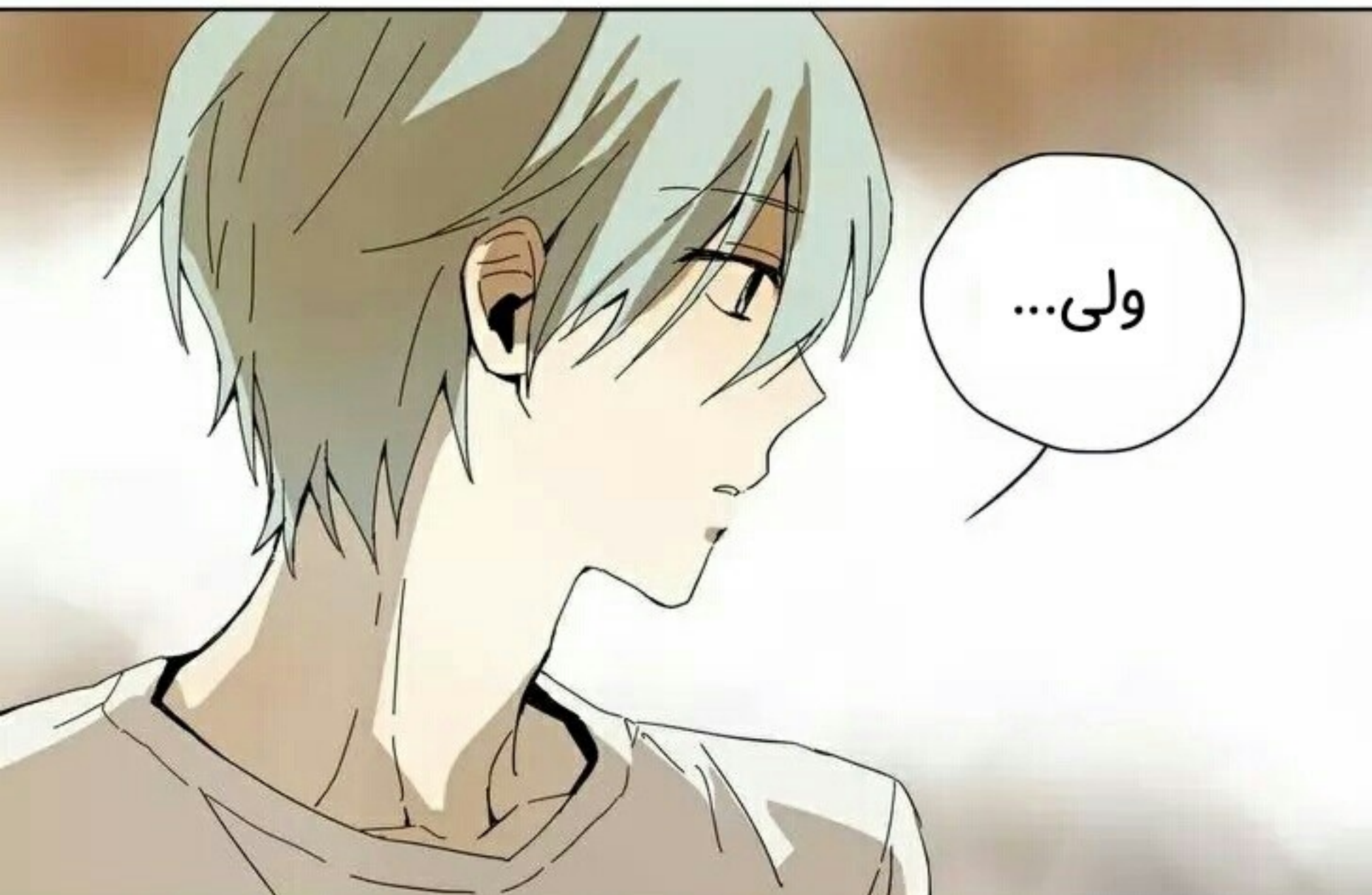
خب... شاید هر
از چند گاهی بتونم وقت
کوتاهی رو بیدار بشم

ولی حتی اگر این کارو
بکنم احتمالاً باید به تخت چسبیده
باشم. چون استوخونا و ماهیچه‌هام ضعیف
می‌شن و درد می‌گیرم و باید دوباره
برگردم و بخوابم

لطفاً
این‌جوری نگام نکن.

همین الانشم
بیشتر از این‌که بیدار
باشم، خوابم...

ولی توی رویاهام
تنها می‌مونم... اونقدر هم که
به نظر می‌رسه بد نیست. مطمئنم
بهش عادت می‌کنم



تا اون موقع
می‌خوام وقتمو اینجا
بگذرونم





